

اصول بنیادی حقوق جهانی ارتباطات: میراث مشترک

رویا معتمدنژاد^۱

دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰ - پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۵

چکیده

حقوق جهانی ارتباطات یک حقوق فراملی است، بدین صورت که بخش اعظم آن خارج از حیطه دولت‌ها تهیه و تدوین می‌شود و اساساً در پی هماهنگ‌سازی است نه یکسان‌سازی. این مقاله می‌کوشد به این سؤال‌ها پاسخ دهد که حقوق جهانی ارتباطات چگونه بر حقوق ملی و سرزمینی کشورها تأثیر گذاشته و می‌گذارد؟ دولت‌ها در برابر تأثیرها و پیامدهای آن چه تصمیم‌هایی می‌گیرند؟ چه اقدام‌هایی انجام می‌دهند و اصولاً مقاومت در برابر حقوق جهانی ارتباطات چگونه صورت می‌گیرد و اگر مقاومتی مشاهده می‌شود، بر پایه چه منطق و استدلالی است؟ نتایج به دست آمده از این تحقیق بیانگر آن است که پدیده جهانی شدن و شکل‌گیری هنجارهای حقوق جهانی، بر نظام‌های حقوقی تأثیرهایی داشته است. به عبارت دیگر، جهانی شدن، سیستم‌های حقوقی را در مقابل نفوذ هنجارهای خارجی آسیب‌پذیر ساخته و توان مقابله و مقاومت آن‌ها را در مقابل این پدیده ضعیف کرده است. همچنین، جهانی شدن سیستم‌های حقوقی را به رقابت با یکدیگر واداشته است، به طوری که تفاوت‌ها، تشابهات، نقاط قوت و نقاط ضعف هر یک را نمایان کرده و باعث شده است تا دولت‌ها، به جای مقابله با این پدیده، به هماهنگی سیستم‌های حقوقی خود با آن تن بدهند.

واژگان کلیدی: حقوق رسانه‌های سنتی، حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات،

حقوق اینترنت، حقوق جهانی ارتباطات

مقدمه

امروز حقوق ارتباطات به صورت یک حقوق جهانی درآمده است (Chevallier, 2014: 26). به عبارتی، حقوق ارتباطات در جهان امروز، دیگر آن حقوق محلی و سرزمینی گذشته نیست، بلکه جنبه جهانی پیدا کرده است. اگرچه آن زمانی هم که هنوز اینترنت وجود نداشت، می شد از حقوق جهانی ارتباطات، صحبت به میان آورد (معمد نژاد، ۱۳۹۱: ۳۳). ولی امروز، پیشرفت تکنولوژی های نوین اطلاعات و ارتباطات، حقوق ارتباطات را به طور غیر قابل تصویری از مرزها فراتر برده، چنانکه حقوق جهانی ارتباطات در بسیاری از کشورها جایگزین حقوق ارتباطات ملی و سرزمینی شده است.

در واقع، منظور از حقوق جهانی ارتباطات حقوقی است که بخش مهمی از آن، خارج از حیطه دولت ها و در دل نهادهای متفاوت و متنوع، معماری و تولید می شود. این حقوق از قواعد سخت و نرم تشکیل و بر مجموعه ای از اصول پایه ای استوار شده که مورد قبول بخش مهمی از جامعه بین المللی است.

به طور کلی، جهانی شدن تأثیر بسزایی بر حقوق و به خصوص حقوق ارتباطات داشته است. جهانی شدن که پدیده ای نسبتاً قدیمی است، بعد از جنگ دوم جهانی استمرار یافت و بعد از سال های ۱۹۹۰ میلادی تشدید شد و ابعاد جدیدی به خود گرفت (Chevallier, 2014: 26)، به طوری که امروز، نه از بین المللی شدن بلکه از جهانی شدن، صحبت به میان می رود. جهانی شدن، قبل از هر چیز به معنای فرایند باز شدن فضاهای اقتصادی و رشد تبادلات تجاری است (Chevallier, 2014: 34) و این امر به ایجاد یک بازار مشترک، افزایش شرکت های فراملیتی و شکل گیری ساز و کارهای تنظیم گری جریان اقتصاد انجامیده است و به بیانی، جهانی شدن نه تنها روابط اقتصادی، بلکه روابط اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک را نیز دچار تحول کرده است.

بنابراین، جهانی شدن علاوه بر این که بر حاکمیت دولت ها تأثیر گذاشته و آن را کم رنگ کرده، بر شدت و پیچیدگی روابط دولت ها نیز افزوده و اقتصاد و فرهنگ و سایر حوزه های کشورها را به یکدیگر گره زده و موجب شکل گیری قواعد بازی جدیدی شده است (Chevallier, 2014: 34).

در مجموع، جهانی شدن منجر به ظهور بازیگران جدیدی شده که اختیارات دولت ها را از

انحصار آن‌ها در آورده و از تأثیر دولت‌ها بر روابط بین‌الملل کاسته است، زیرا این پدیده، علاوه بر این که به «فضازدایی» و «سرزمین زدایی» دامن زده، به «دولت زدایی» نیز منجر شده که نتایج و پیامدهای این امر، در ابعاد زندگی جوامع، به خصوص در حقوق ارتباطات نیز، ملموس است، بدین صورت که جهانی شدن از توان تنظیم‌گری دولت‌ها در عرصه حقوق ارتباطات و رسانه‌ها کاسته است.

۱. مروری بر سیر تاریخی جهانی شدن حقوق ارتباطات

تحول روند جهانی شدن حقوق ارتباطات حداقل در چهار مرحله اتفاق افتاده است. نخستین مرحله به قرون هجدهم و نوزدهم باز می‌گردد، یعنی هنگامی که کشورهای پیش‌قدم شدند تا اولین چارچوب‌های حقوقی را برای مطبوعات تدارک ببینند و اصل آزادی مطبوعات را در قوانین اساسی و سپس در قوانین عادی، پیش‌بینی کنند. سپس، «راه طولانی» رسیدن به آزادی مطبوعات و تحکیم آن طی شد. این راه شامل عناصری است که امروزه، به عنوان ارزش‌های جهانی از آنها یاد می‌شود، از جمله می‌توان به «نشر آزاد روزنامه‌ها بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آن‌ها بعد از انتشار، پیش‌بینی دقیق ضوابط مسئولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرایم احتمالی آنان در دادگاه‌های عادی با حضور هیأت منصفه» اشاره داشت که با «رعایت اصل تعدد و تنوع نشریات از جهت سیاسی و مسلکی و حفظ استقلال آن‌ها در برابر صاحبان ثروت و قدرت»، تحکیم می‌گردد (معمدنژاد، ۱۳۷۹: ۲۵). همان‌طور که دیده شد، طی این مرحله نخست، حقوق مطبوعات مورد توجه بوده است، پیشرو بودن بعضی کشورها در شکل دادن به این حقوق و الهام‌گیری بعضی کشورهای دیگر از تجربیات این کشورها از مشخصه‌های این دوره است.

مرحله دوم شاهد رویدادهای متعددی بوده است: از پیشرفت شگرف تکنولوژی از جمله تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات (تلفن، تلگراف، سینما، رادیو، تلویزیون، و غیره)، گرفته تا وقوع دو جنگ جهانی، امضای قرارداد صلح ورسای (در سال ۱۹۱۹)، تأسیس «جامعه ملل» و به طور کلی قوت گرفتن روابط بین‌المللی. همچنین، «مناسبات و مبادلات گسترده جهانی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، علمی و فنی، خود به خود نقش بین‌المللی وسایل ارتباطی را که ابزارهای مهم این مناسبات و مبادلات هستند، برجسته‌تر و حساس‌تر

می‌کنند» (معمدنژاد و معمندنژاد ۱۳۸۴: ۳۱۷).

در مرحله سوم، با پایان گرفتن جنگ دوم جهانی، به منظور تحقق اهدافی همچون تحکیم صلح، تقویت همکاری میان کشورها، ارتقای حقوق بشر، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، از جمله سازمان ملل متحد، یونسکو، شورای اروپا، اتحادیه اروپا و سازمان دولت‌های امریکایی تأسیس شدند و این امر باعث شد تا قدم‌های مؤثری در جهت حمایت از حقوق بشر برداشته شوند. توجه خاص سازمان‌های مذکور به آزادی مطبوعات در درجه اول و آزادی اطلاعات در درجه بعدی، توجهی که کماکان امروزه و در قرن بیست و یکم نیز به قوت خود باقی است، چرا «که این آزادی به منزله مؤثرترین سلاح برای دفاع از حقوق بشر تلقی می‌گردد» (معمندنژاد، ۱۳۸۴: ۳۳۴). با نگاهی به اقدامات انجام گرفته از آغاز تا این دوره، مشخص می‌شود که هریک از سازمان‌های یادشده، نقش اساسی در جهانی شدن حقوق ارتباطات ایفا کرده‌اند. در واقع آن‌ها در راستای حمایت از نقش رسانه‌ها، در آگاه‌سازی ملل، تحکیم صلح و تفاهم بین‌المللی، اقدامات گام‌های مؤثری برداشتند.

مرحله چهارم، یعنی عصر جامعه اطلاعاتی که نوعی «همگرایی» میان رسانه‌های سنتی و نوین را به دنبال آورده است، موضوع سرنوشت و جایگاه رسانه‌های سنتی را در آینده مطرح می‌سازد. به نظر می‌رسد که در این عصر جدید، رسانه‌های نوین نه تنها به حمایت از نقش رسانه‌های سنتی می‌پردازند، بلکه براهمیت آنها به عنوان رسانه‌های معتبر و انسجام دهنده نیز تأکید می‌ورزند.

موضوع مهم در این دوره، همگرایی، به خصوص همگرایی تلویزیون و اینترنت است که باعث شده ضرورت بازبینی نظام حقوقی تلویزیون امری گریزناپذیر باشد. با این حال، می‌توان به بخشی از این همگرایی حقوقی اشاره‌ای کرد. البته، با یادآوری این نکته که حقوق رسانه‌های سنتی، گرچه به مانند حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات یک حقوق فرامرزی نیست و همچنان حقوقی سرزمینی به شمار می‌رود، ولی بسیاری از خصوصیات حقوق جهانی را داراست که در این جا به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

الف- یکی از خصوصیات حقوق جهانی این است که حقوق داخلی کشورها را به یکدیگر نزدیک و هماهنگ ساخته است، به طوری که در دولت‌های قانونمند، میان چارچوب‌های حقوقی رسانه‌ها، به تدریج تشابه و نزدیکی به وجود آمده که نقش حقوق بین‌المللی و حقوق منطقه‌ای، در این زمینه، بسیار پررنگ بوده است و به عبارتی «استانداردهای»

تدارک دیده شده، توسط سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، به فضاهای حقوقی داخلی نیز سرایت کرده‌اند. البته، در این میان، نقش ایدئولوژی غالب، در عصر جهانی شدن را نیز باید مورد نظر قرارداد.

ب- حقوق رسانه‌های سنتی، متشکل از هنجارها و استانداردهای الزام‌آور و غیرالزام‌آور، توسط تولیدکنندگان متعدد، در دل فضاهایی متنوع و متعدد و در طول زمان شکل گرفته‌اند. در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نهادهای گوناگون، تحت تأثیر ایدئولوژی مشترک و تقریباً همسو، چارچوب‌هایی را در نظر گرفته‌اند.

پ- حقوق رسانه‌های سنتی نیز همانند حقوق جهانی محیط زیست و یا حقوق بشر که مبتنی بر اصول پایه و بنیادی هستند و یکی از معیارهای حقوق جهانی به شمار می‌روند، بر مجموعه اصولی استوارند که از دیرباز شکل گرفته‌اند و مورد قبول جامعه بین‌المللی هستند.

ت- یکی از ویژگی‌های حقوق جهانی، ترکیبی بودن و یا مختلط بودن آن است. حقوق رسانه‌های سنتی نیز تلفیقی از مجموعه قانون‌گذاری‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، رویه‌های قضایی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و تنظیم‌گری‌های مستقل هستند. همچنین، خودتنظیم‌گری این حقوق نیز در عرصه رسانه‌ها، از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است.

۲. تأثیر جهانی شدن بر حقوق ارتباطات

جهانی شدن فشارهای بسیاری بر حقوق وارد آورده و می‌آورد. این فشارها از جانب بازیگران متعدد و جدیدی است که در فضای جهانی، دغدغه‌های متنوع در سر می‌پروراند (Chevallier, 2014: 34)؛ از توسعه اهدافی همچون تجارت و تبادلات اقتصادی گرفته تا حمایت از حقوق بشر و ارائه خدمات بروی اینترنت. از نظر این بازیگران، برای تکثیر سیستم‌های حقوقی، دولتی بودن حقوق و سرزمینی بودن آن، مانع محسوب می‌شوند و آن‌ها ضرورتاً، در صدد از میان برداشتن موانع از راه‌های گوناگون می‌شوند، از جمله از طریق هماهنگ‌سازی قواعد و با کاستن از تسلطی که تکثیر سیستم‌های ملی بر آن‌ها دارند. همچنین، اپراتورهای بزرگ تجارت بین‌الملل، فشار در جهت هماهنگ‌سازی قواعد، اعمال فشار می‌کنند. تنظیم‌دهی اینترنت نیز خارج از حیطه حقوق ملی انجام می‌پذیرد و حقوق بین‌الملل کیفی در پی تولید مفاهیم مشترکی فراملی است.

«شوالیه» استاد معروف فرانسوی حقوق بر این باور است که دو عامل، ۱- بحران دولت رفاه، در اواسط سال‌های ۱۹۷۰ میلادی از یک سو و ۲- شدت گرفتن پدیده جهانی شدن بعد از سال‌های ۱۹۹۰ از سوی دیگر، موجب کم‌رنگ شدن نقش دولت‌ها شده که این امر به نوعی به «متلاشی شدن تنظیم‌گری حقوقی» دامن زده است (Chevallier, 2014: 123). در حالی که در جوامع مدرن، دولت تنها منبع حقوق بوده و یک نظام حقوقی به عنوان مجموعه‌ای منسجم، مبتنی بر اصل سلسله مراتب، بیشتر وجود نداشته، امروز در عصر پُست مدرنیته، با ظهور بازیگران جدید، شاهد شکل‌گیری فضاهاى حقوقی متعدد و متنوع هستیم. در جوامع پُست مدرن، دولت دیگر تنها منبع حقوق نیست و در تولید آن با تکرر مواجه هستیم (Chevallier, 2014: 134).

در واقع، امروز، تنظیم‌گری حقوقی، توسط بازیگران متعدد که در فضاهاى حقوقی متفاوت قرار گرفته‌اند، انجام می‌پذیرد. رابطه میان این فضاها دیگر از اصل سلسله مراتب پیروی نمی‌کند، بلکه هریک منطبق و دغدغه خاصی را دنبال می‌کند. وجود کانون‌های تعدد تولید حقوق، ظاهراً یک بی‌نظمی هنجاری را در پی داشته است. حال باید دید که چطور می‌توان در این چشم‌انداز متکثر، نظم و انسجام برقرار کرد.

به طور کلی، باید گفت که امروز تأثیر جهانی شدن بر حقوق به وضوح قابل مشاهده است و تأثیرهای این پدیده را می‌توان در فعالیت‌ها و واقعیت‌های جهانی، همچون تجارت، محیط زیست، حقوق بنیادی، قراردادهای دولتی، اینترنت و بازارهای مالی، دید. جهانی شدن حتی موضوع‌های داخلی، ملی، ساختار و عملکرد دولت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است (Auby, 2010: 31).

نباید فراموش کرد که حقوق جهانی، حقوقی فراملی است، بخش اعظم آن، خارج از حیطه دولت‌ها تولید می‌شود و اساساً در پی هماهنگ‌سازی است و نه یکسان‌سازی و به دنبال نزدیک‌تر کردن نظام‌های حقوقی با استانداردهای مشترک است. این حقوق «مختلط»، «تلفیقی»، «ترکیبی» و کاملاً مبتنی بر «تنظیم‌گری مشترک» است، به این معنا که دو بخش دولتی و خصوصی، در شکل دادن به آن نقش دارند. در عین حالی که «خود تنظیم‌گری»، از جایگاه مهمی در آن برخوردار است. حقوق جهانی همچنین، حقوقی استوار بر مجموعه‌ای اصول و ارزش‌هایی است که جامعه بین‌الملل بر آن‌ها تأکید و آن‌ها را پذیرفته است.

باتوجه به معیارهایی که برای تعریف حقوق جهانی در نظر گرفته شد، می‌توان گفت که نه

تنها حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات و حقوق اینترنت یک حقوق جهانی به شمار می‌روند، بلکه حقوق رسانه‌های سنتی، مطبوعات، سینما، رادیو و تلویزیون، ... نیز با توجه به فرامرزی بودن آن، علائمی از حقوق جهانی را دارا هستند. حقوق ارتباطات شاخه‌ای از حقوق به شمار می‌رود که از دیرباز فرایند بین‌المللی شدن و جهانی شدن، بر آن تأثیر گذاشته است.

۳. اینترنت و جهانی شدن حقوق ارتباطات

حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات و به صورت خاص حقوق اینترنت، بُعدی جهانی دارد و جزء حقوق جهانی به شمار می‌رود. اینترنت، یک واقعیت کاملاً جهانی است و همانند فعالیت‌هایی همچون بازارهای مالی، فعالیتی فرامرزی، بدون سرزمین و غیرمادی است. زیرساخت‌های اینترنت اساساً متشکل از کابل‌های زیردریایی با فیبرنوری و ترکیب شده با کابل‌های زمینی است.^۱

اگر چه به لحاظ تاریخی عمده فعالیت راهبری فنی اینترنت، از جمله اداره «منابع حیاتی آن»، در دست شرکت‌های آمریکایی نظیر آی‌کان، بوده است، اما «جهان شمولی»، «تمامیت» و «بازبودن» اینترنت، ایجاب می‌کند یکایک کشورها اقدامات ضروری در جهت تحقق این اصول را انجام دهند.^۲

امروزه، این موضوع که اینترنت نیاز به چارچوب، تنظیم‌گری، نظم و قانونمندی دارد، بدیهی به نظر می‌رسد و همگان بر آن تأکید دارند. ولی این که آیا حقوق می‌تواند به تنهایی از عهده این امر برآید، سوالی مهم است و نه فقط دولت‌ها قادر نیستند، حداقل به تنهایی، از پس اینترنت، به عنوان فعالیتی غیرمادی که ارتباطی با سرزمین خاصی ندارد، برآیند، بلکه دسته‌بندی‌های حقوقی کلاسیک همدیگر جوابگو نیستند. بنابراین، حقوق تنها یکی از راه‌های تنظیم‌گری اینترنت است (Chevallier, 2014: 162). حقوق اینترنت دارای ویژگی‌هایی است که بدون توجه به آن‌ها، درک جهانی شدن حقوق ارتباطات ناقص است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱- اینترنت و حقوق ترکیبی آن: منظور از حقوق ترکیبی اینترنت حقوقی است که از

1. La prééminence du droit sur l'internet et dans le monde numerique en general, 2014s: 3

2. Conseil de l'Europe, comite des ministres, 2011: 12.

هنجارهای حقوق بین‌المللی، حقوق منطقه‌ای و حقوق داخلی کشور ترکیب یافته است. اما از آن جایی که حقوق سخت به تنهایی جوابگو نیست، حقوق نرم هم نقش مهمی در نظم‌دهی ایفا می‌کند که از جمله می‌توان به قواعد انضباطی، قواعد اخلاقی، آموزش کاربران و مؤسسات، همکاری‌های بین‌المللی و خود تنظیم‌گری اشاره کرد (Agenda de tunis pour la societe de l'information, 2005). با توجه به ویژگی فوق، گفته می‌شود که حقوق اینترنت ساختاری بسیار «ترکیبی» یا «تلفیقی» دارد (Auby, 2010: 62)؛

۲- «خود تنظیم‌گری» در حقوق اینترنت: در تولید حقوق اینترنت، نه تنها مقامات دولتی، بلکه بخش خصوصی هم نقش ایفا می‌کند. در نتیجه، «خود تنظیم‌گری» جایگاه مهمی در حقوق اینترنت دارد که البته تنظیم‌گری توسط بخش خصوصی، توأمأ در کنار تنظیم‌گری دولتی انجام می‌پذیرد. در نهایت اگر «خود تنظیم‌گری» کفایت نکند، تنظیم‌گری دولتی است که به حل مسائل می‌پردازد. به همین دلیل گفته می‌شود که حقوق اینترنت، حقوقی «مختلط» است (Auby, 2010: 62)؛

۳- تعدد تولید کنندگان حقوق اینترنت: تولید حقوق اینترنت، توسط نهادهای متفاوت و گوناگون، در فضاهای بسیار متنوع، بین‌المللی، منطقه‌ای، داخلی، عمومی، خصوصی، حرفه‌ای یا خارج از حرفه‌ها، انجام می‌پذیرد که البته تعدد، تکثر و پراکندگی فضاهای تنظیم‌گری، نیاز به هماهنگی‌ها و همکاری‌ها را نیز افزایش می‌دهد؛

۴- حقوق اینترنت و تکیه آن بر مجموعه اصول بنیادی: بعضی از شاخه‌های حقوق جهانی، مبتنی بر مجموعه اصول بنیادی یا «هسته اصلی» از حقوق، از جمله در حقوق بشر هستند. در حقوق محیط زیست گفته می‌شود که محیط زیست «میراث مشترک» بشریت است و در نتیجه، حول این موضوع، اصولی به رسمیت شناخته شده‌اند. اینترنت هم به عنوان یک «منبع عمومی جهانی»، مبتنی بر مجموعه اصولی است که به تدریج جنبه خدشه‌ناپذیر پیدا خواهند کرد.^۱

۵- حقوق اینترنت و هماهنگ‌سازی چارچوب‌ها: تعدد تولید کنندگان حقوق اینترنت، می‌تواند مشکل آفرین باشد. در عین حال، حرکتی در جهت هماهنگ‌سازی ساختن تنظیم‌گری‌ها و منطبق ساختن شان با یکدیگر وجود دارد. حقوق جهانی اینترنت، بابت‌کارگیری راه‌های گوناگون،

1. Une ressource publique mondiale, Declaration de Geneve, 2003.

می تواند به این مهم دست یابد؛

۶- اداره اینترنت به عنوان یک «منبع عمومی جهانی»: اداره و حکمرانی اینترنت^۱ که یک «منبع عمومی جهانی» به شمار می رود، از همان ابتدا به عنوان یکی از موضوعهای محوری در جامعه اطلاعاتی مطرح و تأکید بسیار شد که حکمرانی مطلوب باید به صورت چندجانبه، شفاف، دموکراتیک و با مشارکت دولت‌ها، بخش خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی انجام پذیرد.^۲ بعضی کشورها، کاملاً مخالف حضور بخش خصوصی در امر این حکمرانی هستند در حالی که کشورهای دیگر، از جمله کشورهای اروپایی، موافق با مدل «چندجانبه» هستند. منتهی، انحصار عملاً چند نهاد خصوصی آمریکایی را در این زمینه، غیردموکراتیک می دانند و پیشنهاد می دهند که عملکرد نهادهای مذکور، شفاف تر شود، منافع عمومی را مورد نظر قرار بدهند و پاسخگویی اعمالشان باشند (8: 2014, Conseil d'etat, rapports precite). عمل حکمرانی و یا همان «گاورنس اینترنت»، فعالیت‌های متعددی را در بر می گیرد که از جمله می توان به تقسیم منصفانه منابع، سهولت بخشیدن به دسترسی همگان و تضمین عملکرد امن، باز و باثبات اینترنت اشاره کرد که نه تنها موضوعهای فنی، بلکه مباحث اقتصادی و سیاست گذاری‌ها را نیز شامل می شود.

۴. اصول بنیادی حقوق جهانی ارتباطات

بررسی اسناد و متون متعددی همچون معاهدات حقوق بشری، قوانین اساسی، آرای صادره توسط دادگاه‌های داخلی، منطقه‌ای، بین‌المللی، گزارش‌ها و پیشنهادهای متعدد، اعلامیه‌ها و توصیه‌نامه‌های نهادهای تقنینی و مشورتی حاکی از آن است که حقوق جهانی ارتباطات بر دو اصل بنیادی، یعنی آزادی رسانه‌ها و حق دسترسی به اطلاعات استوار است که مورد بررسی قرار می گیرند:

۴-۱. آزادی رسانه‌ها

منظور از آزادی رسانه‌ها استقلال رسانه‌ها و آزادی عمل آنهاست. به عبارتی، آزادی رسانه‌ها دارای دو بعد است: آزادی بیان و استقلال مالی و اقتصادی.

1. Gouvernance de L'internet.

2. Ressource publique mondiale, le sommet mondial sur la societe de l'information, 2003: 8.

۱-۱-۴. اصل آزادی بیان: در سطح‌های منطقه‌ای (اروپایی) و بین‌المللی، اصل آزادی بیان یا آزادی ارتباطات، اساس حقوق ارتباطات به شمار می‌رود. البته، در این زمینه از یک سو بر اصل مذکور تأکید و از سوی دیگر، محدودیت‌هایی نیز برای آن در نظر گرفته شده است. اصل آزادی بیان، به خصوص در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای و حتی داخلی، از ارزش حقوقی و الایی برخوردار است. در سطح داخلی، در چارچوب دولت‌های قانونمند، قوانین اساسی، قوانین عادی و رویه‌های قضایی، جایگاه مهمی به اصل آزادی بیان و مشتقات آن، یعنی آزادی مطبوعات، آزادی رادیو-تلویزیون و غیره اختصاص داده‌اند. در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز، نه تنها متون حقوقی معروف، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، بلکه رویه قضایی نیز بر اصل یاد شده تأکید دارد. با این وجود، آزادی بیان، آزادی مطلق نیست و می‌تواند، حتی در شرایط عادی، محدود شود. البته، دولت‌های قانونمند، در این زمینه چارچوب‌های خاصی را در نظر گرفته‌اند (Sudre, 2015: 221). به موجب رویه قضایی، این محدودیت باید توسط قانون پیش‌بینی شده باشد، هدف مشروعی را دنبال کند و در یک «جامعه دموکراتیک»، در صورت ضرورت، باید با هدف مشروع عنوان شده، «تناسب» داشته باشد؛

۲-۱-۴. استقلال مالی و اقتصادی: اصل «لیبرالیسم اقتصادی» که عمدتاً جایگاه مهمی در حقوق اروپا و به خصوص اتحادیه اروپایی دارد، می‌تواند تأثیرهای مهمی بر ساختار رسانه‌ها داشته باشد. بر اساس این اصل، رسانه‌ها نباید وابستگی مالی به صاحبان زر یا زور داشته باشند. به هر میزان که این وابستگی وجود داشته باشد، استقلال رسانه‌ها نیز به همان اندازه از بین می‌رود. در اتحادیه اروپا این اصل از طریق متون حقوقی اعلان شده است. سپس رویه قضایی دیوان دادگستری نیز، مفهوم و چارچوب آن را روشن کرده است. البته، این اصل نیز، مانند هر آزادی دیگری دارای محدودیت‌هایی است، چرا که نباید از آن سوء استفاده شود یا با دیگر حقوق و منافع در تضاد باشد. به طور کلی بر اساس اصل مذکور، رسانه‌ها و همچنین افراد باید بتوانند آزادانه عقاید خود را بیان کنند یا به فعالیت مورد دلخواه خویش بپردازند و دولت‌ها نباید در این امر دخالت نمایند.

۲-۴. حق بر اطلاعات

دو اصل حق دسترسی به اطلاعات و استقلال مکمل یکدیگرند. یعنی همان‌طوری که

رسانه‌ها و افراد آزاداند افکار و عقاید خود را به هر شکلی ابراز دارند، در دریافت عقاید و اطلاعات نیز آزادند. به عبارتی، اکثر متون حقوقی که در سطح منطقه‌ای و یا بین‌المللی به رسانه‌ها اختصاص یافته‌اند، تحت تأثیر دیدگاه لیبرالی هستند. اگر چه اصل آزادی، بسیار حائز اهمیت است، اما از سویی دارای محدودیت‌هایی است و از سوی دیگر همیشه جنبه ملموس و واقعی پیدا نمی‌کند. این موضوع در مورد ارتباطات و رسانه‌ها نیز کاملاً صدق می‌کند. اما این خطر وجود دارد که آزادی‌های اعلان شده، تنها جنبه شکلی داشته باشند و به اجرا در نیایند. به همین جهت، برای تحقق هر چه بیشتر آزادی و تحقق واقعی‌تر آن از جمله آزادی بیان، حقوق‌دانان بر این اعتقاد هستند که می‌توان از مفهوم دیگری کمک گرفت و آن مفهوم چیزی جز «حق بر اطلاعات» نیست. اصل «حق مردم بر اطلاعات، فرهنگ، آموزش و معرفت»، در تعداد زیادی از متون حقوقی که تشکیل دهنده حقوق داخلی، حقوق منطقه‌ای و حقوق بین‌المللی ارتباطات هستند، به طور مستقیم و یا غیرمستقیم، پیش‌بینی شده است.

به منظور تحقق هر چه بهتر دو اصل بنیادی یاد شده، دولت‌های قانونمند، در طول زمان، دیگر اصول و ضوابط را وارد حقوق رسانه‌ای خود کرده‌اند که در دل نهادهای متعدد، داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، رفته‌رفته شکل گرفته و بر آن‌ها تأکید شده است. در نتیجه، حول دو اصل پایه در حقوق ارتباطات، یعنی آزادی بیان و حق بر اطلاعات، مجموعه‌ای از اصول «بلوک» مانند، وجود دارند که به لحاظ اهمیت‌شان برای منافع عمومی، در سطح جهانی شناخته شده و غیرقابل بازگشت‌اند.

برای درک بهتر دو اصل فوق‌الذکر باید به حقوق تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات توجه کرد. انقلاب دیجیتال و دگرگونی‌های فنی، لزوم دگرگونی‌های حقوقی را نیز به دنبال آورده است (Le conseil d'état, 2015: 7). دسته‌بندی‌های حقوقی و مقوله‌های حقوقی، همه و همه، باید مورد بازنگری قرار گیرند و ابزارهای جدید، منطبق با قدرت دیجیتال، باید تدارک دیده شوند چرا که انقلاب یاد شده، چالشی برای حقوق به شمار می‌رود (Le conseil d'état, 2014: 5).

از پدیده دیجیتال، به عنوان «انفجار» و «انقلاب»، یاد می‌شود، چرا که با خود، دگرگونی‌های فنی و فناورانه، اقتصادی و اجتماعی، به همراه آورده است. فضای به وجود آمده، یا همان فضای دیجیتال، محل بروز تضادها است (معمدنژاد، ۱۳۸۷: ۳۱۰)، جایی که هنوز ناشناخته‌ها در آن

بسیارند. اینترنت، فضایی غیر متمرکز، فرامرزی، مشارکتی و تعاملی را به وجود آورده است. از آن به عنوان یک «منبع عمومی جهانی» (Le conseil d'etat, 2014: 8)، «کالا یا متعلقات عمومی» با ارزش «خدمت عمومی» (Le Conseil de L'Europe, 2014: 4)، با ابعادی جهان شمول، یاد می‌شود. تعدد و تکثر از خصوصیات قابل ذکر در فضای به وجود آمده است. تعدد دست‌اندرکاران، تعدد محتواها، تعدد منافع و تعدد تنظیم‌گری‌ها فضای نوین و ارتباطات اجتماعی را از یک سو و ارتباطات مسئولان و شهروندان را از سوی دیگر، متحول ساخته است. فضای دیجیتال، محل تضادهای بسیاری است که حقوق‌دانان را با چالش بسیار روبه‌رو ساخته است. این فضا، از یک سو دارای توان بسیار است و از سوی دیگر، خطرها و تهدیدات گوناگونی به همراه دارد. توان‌های پدیده دیجیتال متنوع و گوناگون هستند.^۱ از بُعد حقوق بشری، تکنولوژی‌های نوین، نه تنها موجب تقویت بعضی حقوق از جمله آزادی بیان، آزادی جمعاعات، آزادی فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند، بلکه موجب شده‌اند حقوق جدیدی از جمله حق برخوردار شدن از حمایت داده‌ها و به صورت خاص تر، حق تعیین سرنوشت اطلاعاتی، حق دسترسی به اینترنت، حق دسترسی به پهنای باند، اصل بی‌طرفی اینترنت و برخورداری از موجودیت دیجیتال برای شرکت‌ها به رسمیت شناخته شوند. البته، باید گفت که تکنولوژی‌های یادشده نه تنها در خدمت حقوق فردی بلکه باید در خدمت منافع عمومی نیز گذاشته شوند. با به رسمیت شناختن جنبه خدمت عمومی اینترنت، حتی برای دولت‌ها وظایف مثبتی نیز در نظر گرفته شده است.^۲

تهدیدهای فضای دیجیتال نیز کم نیستند. امروزه با حجم انفجاری داده‌ها و انتشار آنها در فضایی بدون مرز مواجه هستیم. سوء استفاده از داده‌ها، توسط افراد سودجو، شرکت‌های خصوصی و حتی دولت‌ها به بهانه حفظ نظم عمومی، خطر بزرگی برای حقوق و آزادی‌های افراد محسوب می‌شود. از دیگر تهدیدها برای حقوق و امنیت افراد، می‌توان به مواردی چون تعرض به زندگی خصوصی، خدشه زدن به حیثیت افراد، سوء استفاده از هویت آنها، کلاهبرداری، سوء استفاده جنسی از کودکان و انواع تقلب اشاره کرد. به طور کلی، فضای دیجیتال و پدیده همگرایی، رقابت‌های متعدد و متفاوت را به همراه

1. Etude precitee du conseil d'etat, 2014: 8.

2. Recommandation precitee du conseil de l'europe, 2007: 11.

آورده است، از جمله رقابت‌های اقتصادی، حقوقی، استراتژیک و سیاسی. در این میان، اروپایی‌ها سخت به تکاپو افتاده‌اند تا بتوانند در زمینه‌های یاد شده در مقابل سیطره آمریکایی‌ها مقابله کنند. به منظور حمایت از شهروندان و همچنین حفظ «ارزش‌های خود» در فضای نوین، به تجدیدنظر در قوانین داخلی و منطقه‌ای پرداخته‌اند.

در فضای دیجیتال، منافع متعدد و گاه متضاد، در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. از جمله منافع کاربران و شهروندان از یک سو، منافع اپراتورها از سوی دیگر و به عبارتی، منافع عمومی و منافع خصوصی. پرسش این است که چگونه می‌توان میان منافع گوناگون، ایجاد تعادل کرد، به خصوص در فضایی که ناشناخته‌ها هنوز بسیارند. در مورد فضای نوین، نمی‌توان دست روی دست گذاشت و اقدامی نکرد و ضروری به نظر می‌رسد که از طریق حقوق، و در نهایت زیر نظر قضات، اقدامات لازم برای تعیین چارچوب انجام شوند (Sauve, 2015: 45). برخی از این چارچوب‌ها را می‌توان در دو دسته راهکارهای حقوقی و غیرحقوقی مطرح کرد.

۵. راهکارهای حقوقی برای فضای دیجیتال

۵-۱. نقش دولت‌ها در رسیدن به تعادل حقوقی

با این که امروزه در عصر جهانی شدن از کاهش قدرت و توان عمل دولت‌ها صحبت می‌شود، کماکان این دولت‌ها هستند که تنظیم‌گر روابط اجتماعی و جریان‌های اقتصادی و تضمین‌گر حقوق بنیادی افراد از یک سو، و نظم عمومی از سوی دیگر هستند. در نتیجه، چه در فضای فیزیکی، چه در فضای دیجیتال، همچنان نقش دولت‌هاست که از طریق حقوق، و در نهایت زیر نظر قضات، میان منافع گوناگون، ایجاد همزیستی و تعادل بکنند. اما به دنبال دگرگونی‌های دیجیتال، حقوق نیز باید دگرگون شود (Sauve, 2015: 45) و خود را با تحولات ایجاد شده منطبق سازد. تغییرات ضروری حقوقی به این شرح ذیل می‌باشد:

۵-۱-۱. نیاز به منطبق ساختن حقوق

فضای نوین، همزمان محل فرصت‌ها و تهدیدهاست. در دولت‌های قانونمند که دغدغه حقوق و آزادی‌های افراد را دارند، اول نقش قانونگذار است که فرصت‌ها را تحقق می‌بخشد و تهدیدها را از میان برمی‌دارد. از آن جایی که چارچوب‌های حقوقی گذشته دیگر جوابگو

نیستند، در نتیجه نیاز به بازنگری (Sauve, 2015: 45) در قوانین ضروری است. به عنوان نمونه، کشورهای اروپایی، اول در سطح داخلی و به موازای آن در سطح منطقه‌ای (اتحادیه اروپا)، به موجب اصل ثانویت^۱، به طور فعال، اقدام به بازنگری در قوانین شان کرده‌اند.

۲-۱-۵. مشخص کردن دامنه اجرای ابزارهای حقوقی جدید

بعد از این که حقوق مورد باز بینی قرار گرفت و انطباق‌های لازم انجام پذیرفت، موضوع اجرای آن و دامنه این اجرا، باید مشخص شود. در فضای دیجیتال که فرامرزی است، بیم آن می‌رود که چارچوب‌های حقوقی به مورد اجرا در نیایند. تردیدها در مورد این که قانون کدام کشور اعمال و صلاحیت کدام دادگاه احراز می‌شود، منشا عدم احساس امنیت حقوقی است و این نگرانی وجود دارد که حمایت‌های ملی، عملاً به اجرا در نیایند. به همین منظور، دولت‌های یاد شده، تلاش کرده‌اند دامنه اعمال بعضی از چارچوب‌های یاد شده را گسترش دهند، تا اطمینان حاصل شود که محقق و ملموس خواهند شد.

۲-۵. نقش «قاضی» در ایجاد تعادل میان تضادهای حقوقی

با توجه به خلأهای حقوقی متعدد در مورد فضای نوین، به نظر می‌رسد که نقش قضات در شکل دادن به چارچوب‌های حقوقی در سال‌های اخیر بسیار پررنگ بوده است. در دولت‌های قانونمند، چه در سطح داخلی و چه در سطح منطقه‌ای، این قضات بوده‌اند که به اختلافات در فضای نوین رسیدگی کرده و در این جریان پیش‌رو، تراز قانونگذاران به مجموعه از اصولی در فضای دیجیتال موجودیت بخشیده‌اند به طوری که به هنگام قانونگذاری، آرای صادر شده توسط مقامات یاد شده که بعضی بسیار معروف هم شده‌اند، مورد نظر قرار گرفته‌اند.

۳-۵. نقش «تنظیم‌گری» نهادهای حمایت کننده از داده‌ها

در کنار قانونگذار و قاضی، نقش مقام حمایت کننده از داده‌های شخصی، در حفظ نظم و ایجاد تعادل میان حقوق متضاد در فضای نوین، بسیار حائز اهمیت است. در حقوق اروپایی مربوط به داده‌ها، بر لزوم تأسیس چنین نهادهایی توسط دولت‌های عضو، تأکید شده است.^۲ به

1. Principe de subsidiarite.

2. Agence des droits fondamentaux de l' union europeenne, 2014: 200.

منظور حمایت از داده‌ها، نهادهای فوق که به صورت «نهادهای مستقل» هستند، از اختیارات متعدد و متنوعی برخوردار شده‌اند.

در کنار ابزارهای حقوقی، ابزارهای غیرحقوقی نیز به کار می‌روند و از همین روست که از آنها، به عنوان مقامات «تنظیم‌گر»، نام برده می‌شود.^۱ این ابزارها متشکل از افراد متخصص هستند که به صورت روزمره با مسائل گوناگون مربوط به داده‌ها سروکار دارند و به شکل دادن به اخلاق دیجیتال همت می‌گمارند که از جمله آنها می‌توان به «کمیسیون ملی انفورماتیک و آزادی‌ها»^۲ در کشور فرانسه اشاره کرد. آنها در سطح منطقه‌ای نیز، زیر نظر کمیسیون اتحادیه اروپا، یعنی نهادی معروف به «گروه ۲۹»، قرار دارند که نقش مشورتی داشته و متشکل از تمامی مقامات حمایت از داده‌های دولت‌های عضو هستند و در جهت ارتقای حمایت از داده‌ها، فعالیت می‌کنند.^۳

۴-۵. نقش دیگر نهادهای «تنظیم‌گر»

در فضای نوین، به منظور چارچوب گذاری‌های ضروری و ایجاد تعادل میان حقوق متضاد، نهادهای دیگری، در سطوح داخلی، با نقش «تنظیم‌گری»، پیش‌بینی شده‌اند که از جمله آنها در حوزه ارتباطات الکترونیک، نقش اساسی مقام تنظیم‌گر، نظارت بر اعمال اصل رقابت، به صورت مؤثر و شرافتمندانه، میان اپراتورها، با در نظر گرفتن منافع مردم است.

۶. راه‌کارهای غیر حقوقی برای فضای دیجیتال

برای ایجاد تعادل میان حقوق متضاد، در فضای نوین که فرامرزی است، چارچوب‌های حقوقی به تنهایی جوابگو نیستند و نیاز به دیگر راه وجود دارد. راه‌کارهایی غیرحقوقی که بتوانند در جهت برقراری تعادل مناسب، نقش ایفا کنند و مانع از بروز اختلافات شوند و در صورتی که اختلافی به وجود آمد از طریق میانجی‌گری حل گردد. از جمله تمهیداتی که

۱. چنین نهادهایی اولین بار توسط آمریکای‌ها، تحت عنوان «سازمان‌های تنظیمی مستقل» (Independent Regulatory Agencies) تأسیس شدند. اروپایی‌ها نیز بعدها از آنها تقلید کردند. نهادهای فوق که زیر نظر قوه مقننه (مانند آمریکا)، یا قوه مجریه (مانند فرانسه)، هستند، از استقلال زیادی برخوردارند. تنظیم‌گری اقتصاد بازار یا حمایت از آزادی شهروندان از اختیارات مهم آنهاست و به این منظور از امکانات وسیعی همچون مقررات گذاری، اعطای حق نظارت، حل اختلاف و نیز مجازات برخوردار هستند (Chevallier, Ibid: 162).

2. Commission Nationale de L'Informatique et des Libertes (CNIL). (www.cnil.fr).

3. Sommet mondial sur la societe de l'information, declaration de geneve, 2003.

می‌توان در این زمینه در نظر گرفت، آموزش کاربران و تقویت توان آنها در فضای نوین، آموزش و ترغیب دست‌اندرکاران خصوصی به رعایت حقوق کاربران، ارتقای آموزش شهروندی جهانی در راستای پاسخ به چالش‌های اخلاقی در فضای نوین هستند.^۱ در این میان، دولت‌ها، مقامات حمایت از داده‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و جامعه مدنی می‌توانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند. با وجود این که از شکل‌گیری فضای نوین اطلاعات و ارتباطات، دیر زمانی نمی‌گذرد، می‌توان گفت از این پس مجموعه اصول بنیادی در آن حاکم شده‌اند که در میان آن‌ها، بعضی بازگشت‌ناپذیر هستند. از این رو، از همان ابتدا، اصرار بر این بوده است، فضای یادشده، استوار بر مفاهیمی همچون دولت قانونمند، دموکراسی و حقوق بشر باشد.

با تکیه بر این مفاهیم است که بر اعمال حقوق بین‌الملل بشر در آن تأکید شده است. همچنین، با استناد به مفاهیم فوق است که در دولت‌های قانونمند، قضات، حتی قبل از قانونگذار، به اصولی بازگشت‌ناپذیر در فضای نوین شکل داده‌اند.^۲ با شکل‌گیری فضای نوین و به دنبال تشکیل اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی، طی دو مرحله به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۳ در ژنو و ۲۰۰۵ در تونس، سران جهان یک صدا بر ضرورت اعمال حقوق بین‌الملل بشر در جامعه اطلاعاتی تأکید کردند.^۳

گرچه قبل از آن، در سازمان‌های دیگر از جمله در یونسکو و شورای اروپا، نیز بر این موضوع تأکید شده بود اما فضای نوین، فضایی فارغ از وظایف و مسئولیت‌ها نیست و مفاهیمی همچون «دولت قانونمند» و یا «برتری حقوق» در آن باید اعمال شوند و تمامی متون مربوط به حقوق بین‌الملل بشر، از جمله منشور سازمان ملل متحد ۱۹۴۵، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و در سطوح منطقه‌ای، متون منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر نیز قابل اعمال هستند. در سال‌های اخیر، تحت تأثیر تلاش قضات، رفته‌رفته مجموعه‌ای از اصول بنیادی در فضای نوین شکل گرفته‌اند. قضات مستقلی که در دولت‌های قانونمند، بر حقوق داخلی، حقوق منطقه‌ای و حقوق بین‌الملل بشر اشراف دارند، توانایی‌های فن‌آوری‌ها از یک سو و خطرهای آنها را از سوی دیگر می‌شناسند، به هنگام مواجه شدن با ادعاهای متضاد، سعی بر ایجاد تعادل صحیح میان آن‌ها می‌کنند و در رهگذر همین آرای صادره

1. Conseil de l'Europe, "Guide des droits de l'homme pour les utilisateurs d'internet, 2014: 3.
2. Commissaire aux droits de l'homme, conseil de l'Europe, 2014: 9.
3. Declaration de principes de geneve, precitee, 2003: 9.

است که به شکل گیری مجموعه‌ای از اصول بنیادی موجودیت بخشیده‌اند.

۶-۱. حق برخورداری از حمایت داده‌ها

این حق که در گذشته به عنوان جزئی از حق برخورداری از زندگی خصوصی محسوب می‌شده، امروزه به عنوان حقی مستقل، شناخته شده است. حتی مفهوم جدیدی تحت عنوان «حق تعیین سرنوشت اطلاعاتی»، به کار برده می‌شود نه به عنوان حق جدیدی است که به دیگر حقوق موجود اضافه می‌شود بلکه به عنوان مفهومی است که به آن‌ها از جمله حق دسترسی به اینترنت، حق اصلاح داده‌ها و حق مطلع شدن از سرنوشت داده‌ها معنا می‌بخشد.

۶-۲. حق دسترسی به اینترنت

اولین بار، دیوان عالی فدرال ایالات متحده آمریکا بود که در این زمینه رای صادر کرد و حق دسترسی به اینترنت را به عنوان محقق کننده آزادی بیان به رسمیت شناخت (Reno, 1997: 12). شورای قانون اساسی کشور فرانسه نیز، حق دسترسی به اینترنت را در ۱۰ ژوئن سال ۲۰۰۹ صادر کرد و به این حق رسمیت دارد.

۶-۳. اصل بی‌طرفی اینترنت

مفهوم «بی‌طرفی اینترنت» که اولین بار در سال ۲۰۰۳ توسط حقوقدان آمریکایی، «تیم وو»^۱ مطرح شد، اصلی پایه در فضای نوین محسوب می‌شود. دیگر اصول، همانند حق دسترسی به اینترنت محقق نمی‌شوند، اگر اصل بی‌طرفی رعایت نشود. به بیان دیگر، در دسترسی افراد و شرکت‌ها به اینترنت نباید تبعیض باشد و اصل برابری باید رعایت شود. در نتیجه اپراتورها ملزم به رعایت این اصل شده‌اند. آن‌ها باید با تمامی جریان داده‌ها، بدون توجه به محتوای آن‌ها، رفتار برابر داشته باشند.

۶-۴. حق بر فراموشی

دادگاه اتحادیه اروپا طی رأی ۱۳ مه سال ۲۰۱۴، «حق بر فراموشی» را با عنوانی دیگر، یعنی «حق بر مرجع‌زدایی» برای افراد، به رسمیت شناخت. از این پس، هر فردی قاعدتاً می‌تواند از

1. Woo, Conseil d'etat, op.cit.

موتور جستجو بخواهد بعضی اطلاعات را که مربوط به او می‌شود، حتی اگر اطلاعاتی باشند که به او خدشه‌ای وارد نمی‌کنند، منتشر نکند.^۱ با استناد به دستورالعمل مصوب ۱۹۹۵ در مورد حمایت از داده‌ها که اکنون در دست تجدیدنظر است^۲، دادگاه فوق ابزار حقوقی جدیدی را تدارک دیده است.

۵-۶. حق برخورداری از موجودیت دیجیتال

تکنولوژی‌های نوین و دیگر گونی‌های اقتصادی همراه با آن‌ها، بر حقوق فعالیت‌های اقتصادی تأثیر گذاشته‌اند. با استناد به اصل آزادی فعالیت‌های اقتصادی، قوانین و رویه قضایی، از این پس، حقی تحت عنوان «برخورداری از موجودیت دیجیتال» را به رسمیت می‌شناسند که دارای عناصر گوناگون است، از جمله حق برخورداری از نام دامن، حق ارائه خدمات بر روی اینترنت، حق استفاده از ابزاری همچون تبلیغات و انعقاد قرار داد.

۶-۶. دیگر اصول مطرح در فضای دیجیتال

برای فضای مجازی اصول پایه دیگری توسط نهادهای متفاوت و متنوع و یا در لابلای مصوبات، گزارش‌ها و کنفرانس‌ها مطرح و بر اهمیت آنها تأکید شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: اینترنت «منبع عمومی جهانی»؛ اینترنت «خدمت عمومی»؛ راهبری اینترنت در جهت منافع عمومی؛ راهبری چندجانبه، شفاف و دموکراتیک آن؛ ضرورت تضمین اصولی همچون «جهان شمولی»، «تمامیت»، و «باز بودن»، «ثبات» و «امنیت» اینترنت؛ آزادی اینترنت، ضرورت تضمین «جریان آزاد فراملی اطلاعات بر روی اینترنت»، و «اعمال»، «برتری حقوق» و «قانونمندی» در فضای نوین، رعایت ارزش‌های اساسی همچون آزادی، زندگی خصوصی، حقوق دیگران، حقوق کودک، تکرر، تنوع فرهنگی و زبانی، همبستگی، تسامح، صلح، عدالت و کرامت انسانی جامعه اطلاعاتی انسان محور، همه‌گیر و توسعه‌مدار؛ جامعه اطلاعاتی، جامعه معرفتی، دسترسی به پهنای باند در خدمت توسعه پایدار، برابری زن و مرد، الزام اپراتورهای ارتباطات به رعایت اصل بی‌طرفی اینترنت، الزام موتورهای جستجو و شبکه‌های اجتماعی، به رعایت «اصل شرافت» و غیره...^۳

1. La cour de Justice de l' Union europeenne, 2014: 2.
2. La Directive du 24 Octobre 1995 relative a la protection des donnees, 2012: 7.
3. Conseil de l'europe, commissaire aux droits de l'homme, 2014: 26.

نتیجه‌گیری

سیافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که جهانی شدن، فشارهای بسیاری بر عرصه‌های مختلف حقوقی وارد آورده و می‌آورد و این فشار بیشتر از جانب بازیگران متعدد و جدیدی است که در فضای جهانی، دغدغه‌های متنوع در سر می‌پروراند. هنجارها و استانداردهای حقوق جهانی را از سه بُعد می‌توان مورد بررسی قرار داد. به لحاظ شکلی، به لحاظ محتوا و به لحاظ تأثیر. همچنین، آنچه که در حقوق جهانی ارتباطات، بیشتر از هر چیز به چشم می‌خورد، تعدد و تنوع تولیدکنندگان آن است. اگر در گذشته دولت‌ها، محورهای همیشگی تولید حقوق بودند، اما امروز آن‌ها دیگر نقش مهمی در تولید حقوق جهانی ندارند. به لحاظ محتوایی نیز، در حقوق جهانی، دغدغه‌هایی همچون سهولت بخشیدن به فرایندها و جریان‌های فراملی و تبادلات اقتصادی وجود دارند. همچنین، حقوق جهانی، دیدگاه جدیدی از مفهوم «سرزمین‌ها» را وارد دانشنامه‌های حقوقی کرده است. همین طور باید گفت که هنجارهای حقوقی جهانی بیشتر به صورت استانداردهای کلی، «مفاهیم باز» و دارای اصالت هستند، زیرا از یک سو، دایره شمول آن‌ها، مواردی چون افراد عادی، شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌ها، تقسیمات کشوری هستند. از سوی دیگر، به لحاظ اقتدار و ارزش حقوقی، بیشتر به صورت استانداردهای رفتاری یا هنجارهای توصیه‌ای در آمده‌اند، گرچه، گاهی به صورت الزام‌آور هم در می‌آیند، اما در شرایطی نسبت به دیگر هنجارهای حقوقی، در موضع برتر قرار می‌گیرند. با این حال، هنجارهای حقوق جهانی، یک بالاتکلیفی در سلسله مراتب‌های حقوقی نیز، به دنبال آورده‌اند.

همچنین، نتایج این پژوهش بیانگر آن است که پدیده جهانی شدن و شکل‌گیری هنجارهای حقوق جهانی، تبعاتی بر نظام‌های حقوقی داشته است. به عبارت دیگر، جهانی شدن، سیستم‌های حقوقی را در مقابل نفوذ هنجارهای خارجی، آسیب‌پذیر ساخته و توان مقابله و مقاومت آن‌ها را در مقابل این پدیده ضعیف کرده است. جهانی شدن، از طرفی دیگر، سیستم‌های حقوقی را به رقابت با یکدیگر واداشته است، به طوری که تفاوت‌ها و تشابهات، نقاط قوت و نقاط ضعف هر یک را نمایان کرده و باعث شده تا دولت‌ها به جای مقابله با این پدیده به هماهنگی سیستم‌های حقوقی خود با آن تن بدهند. همچنین، در دل جهانی شدن، جنبشی در جهت همگرایی و نزدیک شدن سیستم‌های حقوقی به یکدیگر پدید آمده که مشابه نوعی هماهنگ‌سازی است، نه یکسان‌سازی. اما، انتشار جریان و در نهایت ورود و رسوخ هنجارهای

حقوق جهانی به داخل سیستم‌های حقوقی، به شیوه‌های متعدد و متنوع انجام می‌پذیرد (Auby, 2010: 134).

به طور کلی باید گفت که حقوق ارتباطات همچون سایر حوزه‌های حقوقی از تمامی جهات تحت تأثیر پدیده جهانی شدن قرار گرفته که آن را می‌توان در بخش‌های فرستنده، گیرنده و آثار پیام مشاهده کرد و همین امر باعث شده تا دولت‌ها عملکرد شفافی داشته باشند و بیشتر به قانون تن بدهند. بالاخره این که جهانی شدن حقوق ارتباطات باعث شده تا «بشریت» بیشتر و بهتر در کانون توجه فضای جهانی قرار گیرد.



منابع

الف- فارسی

کتابها

- معتمدنژاد، کاظم؛ معتمدنژاد، رؤیا، (۱۳۸۶)، *حقوق ارتباطات*، جلد یکم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۹ و ۱۳۹۰)، *ارتباطات بین‌المللی*، تهران: انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- معتمدنژاد، کاظم؛ معتمدنژاد، رؤیا، (۱۳۸۶)، *حقوق حرفه‌ای روزنامه نگاران*، جلد یکم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۷)، *حقوق مطبوعات*، جلد یکم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۷)، *تکنولوژی‌های نوین ارتباطی*، جلد یکم، از تلگراف و تلفن تا بی‌سیم و رادیو، تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات.
- معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۸)، *اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی*، ژنو ۲۰۰۳- تونس ۲۰۰۵، جلد یکم، تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات.

مقاله‌ها

- معتمدنژاد رؤیا، (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی نظام حقوقی رسانه‌های شورای اروپا با تاکید بر فرانسه»، تهران: فصلنامه علوم خبری، دوره اول، پاییز، شماره ۳.
- معتمدنژاد، رؤیا، (۱۳۹۰)، «نقش سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در پیشبرد جهانی حقوق ارتباطات: بررسی تجربیات شورای اروپا»، *مجله حقوق و سیاست*، دوره چهاردهم، زمستان، شماره ۳۵.
- معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۳)، «یونسکو و سیاست‌گذاری ملی ارتباطات در کشورهای در حال توسعه»، *رسانه*، سال پانزدهم، شماره ۲، تابستان، شماره پیاپی ۵۸.
- معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۷۴)، «دگرگونی سیاست‌ها و برنامه‌های ارتباطی یونسکو: استراتژی نوین ارتباطی، به جای نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات با توجه خاص به پیشبرد وسایل ارتباطی آزاد، مستقل و کثرت‌گرا و پشتیبانی مجدد از جریان آزاد اطلاعات»، *رسانه*، زمستان، سال ششم، شماره ۴.
- معتمدنژاد، رؤیا، (۱۳۸۴)، «دیوان اروپایی حقوق بشر و پشتیبانی از آزادی مطبوعات»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، تهران ۱۳۸۴، شماره‌های ۲۱۶-۲۱۵.

ب- فرانسه

کتابها

- Auby (J.-B.), (2010), *La globalisation, le droit et l'état, paris*, L.G.D.J., lextenso editions, 2eme ed.
- Chevallier (J.), (2008), *L'état post-moderne, Paris*, L.G.D.J., 3eme ed.
- Delmas, Marty, (M), (2013), *Resister, responsabiliser, anticiper, ou Comment humaniser La Mondialisation*, Paris: Seuil.
- Delmas, Marty, (M), (2006), *Le pluralisme ordonne, seuil*, coll, Paris: "Essais.
- Delmas, Marty, (M), "Vers un droit commun de l'humanité", textuel, Paris 1996; Delmas- Marty (M), *Le Pluralisme ordonne*, Seuil, coll. "Essais", Paris 2006.
- Derieux (E), (2010), *Droit des medias, droit francais, europeen, et international*, Paris, L.G.D.J, 6eme ed.
- Frison, Roche, (M.A), *Le droit de la régulation*, Paris: dalloz.
- Marguenaud (J.-P), (2012), *La cour europeenne des droits de L. homme*, paris: dalloz, connaissance du droit, 6eme edition.
- Melin, Soucra manien (F), (1998), *Constitution de la republique francaise*, paris: dalloz, 2015; Zoller (E.), *Droit constitutionnel*, Paris, PUF.
- Morand (C.A.), (1999), *Le droit neo-moderne des politiques publiques*, Paris: LGDJ.
- Sudre (F.), *Droit européen et international des droits de l'homme*, Paris: PUF, 11 eme ed 2012, 935.

مقاله‌ها

- Commissaire aux droits de L' homme, Conseil de L'europe, (2014), "La preeminence du droit sur l'internet et dans le monde numerique en general", document thematique.
- Derieux (E.), (1998), "Les principes du droit de la communication dans la jurisprudence du conseil constitutionnel", Legipresse, mai 1997, Derieux (E.), "Le conseil constitutionnel et les principes du droit de la communication", Libertes, Melanges jacques robert, Montchrestien.
- "La France dans la transformation numerique: quelle protection des droits fondamentaux?", (2010), Colloque organisé par Le conseil d'etat, 6 fevrier 2015,

Introduction de sudre (J.- M).

پ - مصوبات، رویه قضایی، گزارش‌ها، آدرس‌های اینترنتی

- Directive 2010, 13, UE du parlement europeen et du conseil du 10 mars 2010, Relative aux “Services de medias audiovisuels”.
- Conseil de l’europe, Déclaration sur la diversité culturelle, 7 décembre 2000.
- Unesco, Déclaration universelle sur la diversité culturelle, 2 novembre 2001, Convention sur la protection et la Promotion de la diversité des expressions culturelles, 20 octobre 2005.
- Fressoz et Roire c/ France, 21 janvier 1999.
- Jersild c/ Denmark, 23 September 1994.
- Conseil constitutionnel, Décisions du 27 juillet 1982; 10 et 11 octobre 1984, 18 septembre 1986.
- Recommandation du comité des ministres aux etats membres, sur une nouvelle conception des medias, adoptée le 21 septembre 2011.
- Le rapport du groupe de haut niveau sur la liberté et le pluralisme des medias, Union européenne, “Des medias libres et pluralistes pour soutenir la démocratie européenne”, Janvier 2013, 49 pp.
- Arrest golder, (1975), Handisyde (1976), Malone (1984), etc.
- Arrêts de la CEDH, Jersild C. Danemark, 23 Septembre 1994; Goodwin c. Royaume-Uni, 27 mars 1996; Fressoz et Roire c.France.21 Janvier1999.
- Directive de l’union européenne sur, “Services de medias audiovisuels”, 2010, Conseil de l’europe, Assemblée parlementaire, Résolution (2008) sur “Les indicateurs pour les medias dans une democratie”, 2013.
- Conseil de l’europe, Recommandation “Sur des mesures visant a Promouvoir la valeur de service public de l’internet”, 2007.
- Recommandation, (2014), “Sur un guide des droits de l’homme pour les utilisateurs d’internet”.
- Commission Nationale de l’informatique et des Libertés (CNIL), (www.cnil.fr).
- Loi “Informatique et libertés” du. 6 Janvier 1978, Modifiée Le 6 aout 2004.

- Le 36eme Conférence annuelle des commissaires a la vie privée et a la Protection des données 13 au 17 Octobre 2014.
- Autorité de régulation des communications électroniques et des postes (www.arcep. fr).
- Rapport public d'activité de L ARCEP(2014), Juin 2015.
- “Haute autorité pour La diffusion des Œuvres et la protection des droits sur internet (www. hadopi.fr)”, Loi “Creation et internet”, 12 juin 2009 (dite Loi Hadopi) et 28 Octobre 2009 (dite Loi Hadopi 2), Mediation.
- Conseil de l’europe, “Guide des droits de l’homme pour les utilisateurs d’internet”, recommandation, 2014.
- Sommet mondial sur la societe de l’information (wsis), Déclaration de genève 2003; Conseil de l’europe, Declaration du comité des ministres sur les droits de l’homme et l’etat de droit dans la societe de l’information, 2005.
- La Cour de justice de l’union européenne (CJUE), La décision google spain c/ AEPD, 13 mai 2014.
- TGI de Paris (ord.ref.), 24 nov, et 19 dec. 2014, Marie FRANCE M. c/ Google France et Google Inc; TGI de Toulouse (ord.ref.), 21 Jan 2015, Franck J. c/ Google France et Google Inc., Revue IRIS (Observations juridiques de l’observatoire européen de l’audiovisuel) 2015-4.
- Conseil de l’europe, comite des ministres, recommandation “sur la protection et la promotion de l’universalité de l’intégrité et de l’ouverture de l’internet”, Sept. 2011.
- Conseil de l’europe, Comite des ministres, Recommandation “Sur la libre circulation transfrontière des informations sur internet”, Avril 2015.
- Les travaux de la commission sur le large bande.
- Conseil de l’europe, Recommandation du comité des ministres, “sur la mission des medias de service public dans la société de ls’information”, 2007.
- Conseil de l’europe, Comite des ministres, Recommandation “sur La protection et la promotion de l’universalité et de l’ouverture de l’internet”, adoptée le 21 sept. 2011.
- L’Europe, Déclaration sur “Une participation accrue des etats membres aux questions de gouvernance de l’internet-comité consultatif gouvernemental (GAC) de

L'ICANN", 2010.

- قانون رسانه‌های کشور فرانسه، قانون مربوط به آزادی مطبوعات ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱، قانون ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ در مورد آزادی ارتباطات سمعی و بصری.
- ده سال بعد از اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی، Wsis + 10، اعلامیه نهایی.
- کنوانسیون ۱۰۸ شورای اروپا مصوب ۲۸ ژانویه ۱۹۸۱.
- دستور العمل ۲۴ اکتبر ۱۹۹۵ اتحادیه اروپا در مورد حمایت از داده‌ها، منشور حقوق بنیادی اتحادیه اروپا مصوب ۲۰۰۰ (اصل ۸).
- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۵۰.
- اعلامیه اصول ژنو ۲۰۰۳، اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی.

